

عنوان مقاله:

تبیین معنزدایی در غزلیات شمس با رویکرد عصب روانشناسی دین و رفتارگرایی بلوم فیلد

محل انتشار:

سومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به آثار مولانا) (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

محمد شفیع صفاری - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

محمدباقر شهرامی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

خلاصه مقاله:

غزلیات شمس همواره به عنوان یکی از مهمترین متون کهن ادب فارسی که دارای ابداعات زبانی و تصویری فراوان می باشد، مورد توجه و بررسی پژوهشگران مختلف بوده است. در میان این ابداعات و برجسته سازی های زبانی، غزلیاتی که در آنها کلمات واصطلاحات مبهم و بی معنا به کار رفته اند دارای بسامد قابل ملاحظه ای هستند به طوریکه از مختصات سبک شخصی مولوی در این اثر محسوب می شوند. در این اثر با توجه به دو رویکرد روان شناسانه و زبان شناسانه یعنی عصب روانشناسی دین و رفتارگرایی بلوم-فیلد به فلسفه وجودی این گونه غزلیات در دیوان شمس پرداخته شده است. نظریه رفتارگرایی بلوم فیلد نظریه ای ترکیبی از زبان شناسی ساختگرا و مکتب روان شناسانه رفتارگرایی است اما تفاوت های زیادی با مکتب رفتارگرایی هم دارد، همچنین با عصب-شناسی روانی می توان به فلسفه وجودی حالات عرفانی و تجارب مذهبی پی برد. تا کنون محققان بسیاری در مورد این گونه غزلیات مولوی اظهار نظر کرده اند که فصل مشترک تمام این نظریات این است که مولانا با این سبک عمدی به دنبال ایجاد موسیقی و گوشنوازی اشعارش بوده حال آنکه به زعم این مقاله، مولانا در سرودن این اشعار تجربه-محور عمدی نداشته و کارکرد مغزش منجر به سرودن این غزلیات شده به علاوه اینکپاره گفتارهای مبهم و بی معنای این غزلیات بنا بر زعم بلوم فیلد ناشی از دو عملکرد خدای عملی مقدم و موخر ذهن مولانا است.

کلمات کلیدی:

غزلیات شمس، معنزدایی، عصب روانشناسی دین، رفتارگرایی بلوم فیلد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/639678>

